

منظور از حسابداری صنعتی (بهای تمام شد) چیست؟

حسابداری صنعتی شاخه‌ای از علم و فن حسابداری است که وظیفه جمع آوری اطلاعات مربوط به عوامل هزینه و محاسبه بهای تمام شده محصولات و خدمات را بر عهده داشته با و تجزیه و تحلیل گزارش‌ها و بررسی راههای تولید روشهای تقلیل بهای تمام شده تولیدات را بیان می‌کند.

اهمیت حسابداری بهای تمام شده برای چیست؟

در واقع حسابداری صنعتی یا حسابداری بهای تمام شده یک ابزار بسیار مهم در اختیار مدیریت می‌باشند تا مدیران با استفاده از حسابداری صنعتی، بهای تمام شده تولیدات را محاسبه می‌کند و کنترل خود را بر روی هزینه‌های مواد، دستمزد و سایر هزینه‌های تولید اعمال می‌کند.

کاربرد حسابداری بهای تمام شده چیست؟

گاهی تصور می‌شود کاربرد حسابداری صنعتی و بهای تمام شده محدود به کارخانجات و صنایع تولیدی می‌باشد هرچند شاید مشهورترین کاربرد آن در این جهت باشد ولی سایر مؤسسات نیز از حسابداری بهای تمام شده بهره برده و از روشهای حسابداری بهای تمام شده در بانکها، شرکتهای بیمه عمده فروشی‌ها، شرکتهای حمل و نقل، شرکتهای هواپیمایی، دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها در جهت کارایی بیشتر استفاده می‌گردد.

حسابداری صنعتی

حسابداری صنعتی حوزه‌ای از حسابداری که به چگونگی محاسبه قیمت تمام شده محصول جهت اندازه گیری موجودیتها و تعیین سود دوره و کنترل هزینه‌ها و سایر موارد تأکید دارد.

حسابداری صنعتی طی یک فرآیند هزینه‌ها را شناسایی، اندازه گیری، طبقه بندی، تلخیص و جمع آوری نموده که اصطلاحاً به این فرآیند هزینه یابی اطلاق می‌شود.

همچنین حسابداری صنعتی سیستمی است که اطلاعات به وجود آمده توأم در سیستم حسابداری مالی و حسابداری مدیریت مورد استفاده قرار می‌گیرد در حسابداری مالی هنگام تهیه صورتهای مالی اطلاعات حسابداری صنعتی تحت عنوان موجودی کالای پایان دوره مورد استفاده قرار می‌گیرد همچنین در سیستم مدیریت این اطلاعات در برنامه ریزی، کنترل و تصمیم گیری‌ها مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

از آنجایی که بخشی از فرآیند سیستم حسابداری صنعتی به شناسایی هزینه‌ها می‌انجامد لذا در این بخش ابتدا تعریفی از هزینه ادامه سیستمی به طبقه بندی هزینه‌ها اشاره می‌شود:

حسابداری مالی تعریف ویر را از هزینه را از هزینه ارائه نموده است:

هزینه به معنی خروج وجه نقد از یک واحد انتفاعی یا مصرف یا استهلاك دارائی‌های موجود و یا افزایش بدهی‌ها و یک واحد ترکیبی از آنها که در نتیجه اجرای فعالیتهای اصلی یا جانبی واحد تجاری، واقع و به کاهش حقوق صاحبان سهام منجر می‌شود اطلاق می‌گردد.

در حسابداری صنعتی هزینه به عنوان منابع فدا شده برای رسیدن به یک هدف خاص، معرفی می‌نماید همچنین حسابداری صنعتی علاوه بر هزینه‌های اضافی گذشته با هزینه‌های برآوری و آتی. (منابعی که قرار است در آینده مصرف یا فدا شوند) نیز سر و کار دارند.

طبقه بندی هزینه‌ها

هزینه‌ها را میتوان به شکل‌های مختلف طبقه بندی کرد که به برخی از این طبقه بندی به شرح زیر اشاره می‌شود:

الف) طبقه بندی هزینه‌های به تفکیک هزینه‌های مستقیم و غیر مستقیم

هزینه‌های مستقیم:

به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که می‌توان آنها را به یک موضوع مشخص ارتباط دارد مانند مواد اولیه مصرف شده در یک واحد محصول.

هزینه‌های غیر مستقیم:

به هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که نمی‌توان آنها را به یک موضوع مشخص ارتباط داد مانند هزینه‌های برق مصرفی در تولید محصولات هزینه‌های غیر مستقیم به علت اینکه قابلیت تخصیص به یک موضوع مشخص را ندارد. نمی‌توان آنها را مشخصاً به یک موضوع ارتباط داد بلکه این هزینه‌ها به طور عمومی و مشترک بین چندین موضوع هزینه می‌باشد.

هزینه‌های غیر مستقیم بر مبنای روشهای مختلف تسهیم به موضوعات مختلف هزینه مانند محصولات تخصیص داده می‌شود.

بطور خلاصه می‌توان بیان نمود که هزینه‌های مستقیم هزینه‌های هستند که به راحتی قابل ردیابی و تخصیص به یک محصول اندازه گیری نمود ولی هزینه‌های غیر مستقیم هزینه‌هایی است که به راحتی قابل ردیابی و تخصیص یک محصول نبوده بلکه این هزینه‌ها باید بین محصولات یا به عبارتی موضوعات مختلف هزینه تخصیص داده شوند فرآیند تخصیص هزینه‌های غیر مستقیم به محصولات را غیر مستقیم و یا تخصیص هزینه اطلاق می‌کنند مانند هزینه برق، هزینه تعمیرات و نگهداری ماشین آلات، هزینه تأمین ماشین آلات و ... به محصولات تولید شده.

ب) طبقه بندی هزینه‌ها براساس عناصر تشکیل دهنده محصول

1- هزینه‌های مواد مستقیم:

هزینه‌های مواد مستقیم به موادی اطلاق می‌گردد که به سهولت قابل ردیابی و تخصیص به یک واحد محصول تولید شده می‌باشد این مواد شکل ظاهری محصول را تشکیل داده و بدون مصرف این مواد تولید محصول غیر ممکن است، مانند هزینه چرم مصرفی در تولید کفش و یا پارچه مصرفی در تولید پوشاک.

2- هزینه کار مستقیم :

حقوق و دستمزد افرادی که مستقیماً در تولید محصول نقش داشته‌اند که به سهولت قابل ردیابی و تخصیص به یک واحد محصول است. مانند هزینه حقوق و دستمزد کارگران تولید.

هر نوع هزینه مستقیم دیگری نیز اگر دارای خصوصیات و ویژگی‌های مواد مستقیم و کار مستقیم باشد را می‌توان به آسانی به یک واحد محصول تخصیص داده مانند لوازم بسته بندی مصرفی در بسته بندی‌های محصول

3- هزینه‌های سربار ساخت / هزینه‌های غیر مستقیم :

این هزینه‌ها معمولاً شامل هزینه‌های کارخانه به استناد هزینه‌های مواد مستقیم و کار مستقیم می‌باشد به عبارتی هزینه‌هایی که نمی‌توان آنها را به سهولت به یک واحد محصول تخصیص داد و برای تخصیص این هزینه‌ها به محصول باید از فرآیند تخصیص و تسهیم استفاده نموده مانند هزینه‌های مواد غیر مستقیم، کار غیر مستقیم و سایر هزینه‌های ساخت. هزینه‌های مواد غیر مستقیم و کار غیر مستقیم مفهومی قابل هزینه مواد مستقیم و کار مستقیم را دارند. برای هزینه‌های غیر مستقیم می‌توان به عنوان مثال هزینه چسب و یا نخ مصرفی در تولید کنش اشاره کرده و برای هر سه کار غیر مستقیم می‌توان به عنوان مثال به هزینه حقوق و مزایای سرکارگر و یا مدیر تولید و یا هزینه حقوق و مزایای انباردار، نگهبان و ... اشاره نمود. سایر هزینه‌های ساخت شامل کلیه هزینه‌های غیر مستقیم به جز مواد غیر مستقیم و کار غیر مستقیم می‌باشد مانند هزینه‌های تعمیرات و نگهداری ماشین آلات، هزینه بیمه ماشین آلات کارخانه، هزینه سوخت کارخانه هزینه آب و برق و تلفن کارخانه و سایر هزینه‌های غیر مستقیم کارخانه

به جمع هزینه‌های (مواد مستقیم، کار مستقیم، هزینه‌های سربار ساخت) هزینه‌های ساخت یا هزینه‌های تولید و یا تمام شده تولید اطلاق می‌شود.

مفهوم بهای اولیه یا هزینه‌های اولیه: به جمع مواد مستقیم و هزینه دستمزد مستقیم، بهای اولیه یا هزینه‌های اولیه اطلاق می‌شود یعنی دو نوع هزینه‌ای که مستقیماً قابل ردیابی در هر واحد محصول است.

هزینه تبدیل :

به جمع هزینه دستمزد مستقیم و هزینه سربار ساخت اطلاق می‌شود.

(ج) طبقه بندی هزینه‌ها به دو نوع هزینه‌های محصول و هزینه‌های دوره :

هزینه محصول همان هزینه تولید و یا به عبارتی جمع هر سه هزینه مواد مستقیم، کار مستقیم و هزینه‌های سربار ساخت است.

هزینه دوره به کلیه هزینه‌هایی اطلاق می‌شود که نتوان این هزینه‌ها را به عنوان هزینه‌های محصول قلمداد نمود این هزینه‌ها به نوعی یا دوره زمانی که طی آن واقع شده‌اند ارتباط دارد و در دوره وقوع در صورت سود و زیان انعکاس می‌یابند این هزینه‌ها در صورت سود و زیان تحت عنوان هزینه‌های عملیاتی طبقه بندی می‌شوند مانند هزینه‌های توزیع و فروش و هزینه‌های عمومی و اداری هزینه‌های دوره به عبارتی هزینه‌هایی هستند که نه به طور مستقیم و نه به طور غیر مستقیم با تولید هیچ گونه ارتباطی ندارند.

(د) طبقه بندی هزینه‌ها براساس رفتار هزینه

در این نوع طبقه بندی موضوع از این است که هزینه‌ها در مقابل تغییرات تولید چه رفتاری از خود نشان می‌دهد .

1) هزینه‌های ثابت (2) هزینه متغیر

1- هزینه‌های ثابت :

هزینه‌های ثابت هزینه‌هایی هستند که بدون توجه به تغییرات حجم تولید در دامنه معین از تولید (دامنه مربوط) بدون تغییر هستند مانند هزینه استهلاک (روش خط مستقیم) هزینه بیمه، هزینه اجاره، عوارض و ...

هزینه ثابت در یک دامنه مربوط ثابت است ولی تغییرات حجم تولید هزینه‌های ثابت در دامنه‌های مختلف، تغییر می‌باید هزینه‌های ثابت در سطح تولید در یک دامنه مربوط هر اندازه تولید بیشتر باشد هزینه ثابت هر واحد کمتر خواهد بود.

هزینه ثابت هر واحد برابر است با هزینه ثابت تقسیم بر میزان تولید.

2- هزینه‌های متغیر :

هزینه‌های متغیر هزینه‌هایی هستند که با توجه به متغیر در سطح تولید این گونه هزینه‌ها نیز متغیر می‌یابند هزینه‌های متغیر در سطح کل تولید متغیر ولی در سطح هر واحد ثابت است.

طبقه بندی هزینه‌ها بر حسب رفتار هزینه‌ها به چگونگی واکنش هزینه‌ها در برابر تغییر در سطح فعالیت اشاره دارد به بیان دیگر مقصود از رفتار هزینه‌ها مدلی است که براساس آن یک هزینه مشخص نسبت به تغییر در سطح فعالیت واکنش نشان می‌دهد.

بهای اولیه و بهای تبدیل :

بهای اولیه مستقیماً مربوط به تولید بوده و شامل هزینه‌های مواد مستقیم و کار مستقیم می‌باشد بهای تبدیل یا هزینه‌های تبدیل مربوط به هزینه‌هایی می‌شود که مواد مستقیم را به محصول تکمیل شده تبدیل می‌نماید که شامل هزینه کار مستقیم و هزینه‌های سربار کارخانه می‌شود.

انواع موجودی‌ها در شرکت‌های تولیدی

شرکت‌های تولیدی دارای سه نوع موجودی به شرح زیر می‌باشند :

1- موجودی مواد اولیه :

قیمت تمام شده موادی است که در تولید مورد استفاده قرار نگرفته و در انبار موجود می‌باشد.

2- موجودی کالای در جریان ساخت :

قیمت تمام شده کالای تکمیل نشده است که شامل مواد مستقیم، کار مستقیم و سربار کارخانه می‌باشد.

3- موجودی کالای ساخته شده :

قیمت تمام شده کالای تکمیل شده است که در انبار موجود می‌باشد که شامل مواد مستقیم، کار مستقیم و سربار کارخانه می‌باشد.

سیستم‌های هزینه یابی :

نحوه جمع آوری، انباشت و تخصیص هزینه‌های تولید به محصولات با توجه به نوع سیستم عملیات تولیدی می‌تواند مبتنی بر یکی از سیستم‌های هزینه یابی و یا ترکیبی از هر دو سیستم هزینه یابی به شرح زیر می‌باشد :

سیستم هزینه یابی سفارش کار

سیستم هزینه یابی مرحله ای

در شرکت هایی که تولید محصولات طبق مشخصات دریافتی از مشتریان انجام می شود بکارگیری سیستم هزینه یابی سفارش کار و در شرکت هایی که تولید محصولات به صورت انبوه و پیوسته صورت می گیرد بکارگیری سیستم هزینه یابی مرحله ای مناسب می باشد.

هر دو سیستم هزینه یابی سفارش کار و مرحله ای به سه روش زیر قابل اجرا می باشند .

هزینه یابی واقعی

هزینه یابی نرمال

هزینه یابی استاندارد

در هزینه یابی واقعی، کلیه عوامل تشکیل دهنده قیمت تمام شده محصول شامل هزینه هایی است که به طور واقعی انجام شده اند ولی در هزینه یابی نرمال، از عوامل قیمت تمام شده محصول، هزینه های مواد مستقیم و کار مستقیم واقعی بوده ولی سربار کارخانه بصورت برآورده شده مورد استفاده قرار می گیرد.

در هزینه های استاندارد با استفاده از استانداردهای مواد مستقیم، کار مستقیم و سربار کارخانه قبل از شروع سال مالی، قیمت تمام شده محصول محاسبه و تعیین می گردد.

هزینه های واقعی سربار کارخانه

هزینه های واقعی سربار کارخانه بصورت روزانه یا دوره ای انجام و ثبت می گردد برای کنترل هزینه های سربار کارخانه، در دفتر کل از حساب کنترل سربار کارخانه استفاده می شود حساب کنترل سربار کارخانه دارای معین برای هر نوع عامل هزینه مانند استهلاک، سوخت و روشنایی می باشد مانده حساب کنترل سربار کارخانه باید به جمع مانده معین های آن مساوی باشد اصولاً در شرکت های تولیدی برای ثبت هزینه های واقعی سربار کارخانه از کار هزینه سربار کارخانه استفاده می کنند و برای هر دایره (تولیدی و خدماتی) کارت هزینه سربار کارخانه جداگانه ای نگهداری می شود کارت هزینه سربار کارخانه معین حساب کنترل سربار کارخانه می باشد.

تسهیم هزینه ای واقعی دواير خدماتی به دواير تولیدی در هزینه یابی واقعی

در صورتی که روش هزینه یابی واقعی باشد، در پایان دوره حسابداری صنعتی، هزینه های واقعی سربار کارخانه دواير خدماتی با استفاده از یکی از روشهای مستقیم یک طرفه یا ریاضی به دواير تولیدی تسهیم شده.

سیستم هزینه یابی مرحله ای

هزینه یابی مرحله ای سیستمی است برای اندازه گیری و گزارش قیمت تمام شده محصولات مشابهی که تولید آنها در یک سری عملیات تولیدی یکنواخت بصورت انبوه و پیوسته صورت می گیرد در هزینه یابی مرحله ای تأکید اصلی بر روی دایره یا مرکز هزینه می باشد در هر دایره یا مرکز هزینه، عملیات تولیدی مختلفی صورت می گیرد مانند دایره تراشکاری یا مونتاژ معمولاً یک واحد محصول از دو یا چند دایره یا مرکز هزینه عبور می کند تا به انبار کالای ساخته شده برسد و در هزینه یابی مرحله ای هزینه های تولید (مواد مستقیم، کار مستقیم و سربار کارخانه) هر دایره به حساب موجودی کالای در جریان ساخت همان دایره منظور می شود و

گزارش هزینه تولید برای هر دایره در پایان دوره زمانی معین (هفتگی یا ماهانه) تهیه می‌گردد نمونه صناعی که از سیستم هزینه‌یابی مرحله‌ای استفاده می‌کنند عبارتند از صنایع کاغذ، فولاد و شیمیایی.

مراحل تهیه گزارش هزینه تولید

برای تهیه گزارش تولید باید پنج مرحله کار به شرح زیر صورت گیرد:

1. تهیه جدول مقدار تولید
2. محاسبه مقدار تولید برحسب معادل آحاد تکمیل
3. خلاصه کردن جمع هزینه‌های قابل تخصیص که شامل قیمت تمام شده موجودی کالای در جریان ساخت اول دوره و هزینه‌های انجام یافته طی دوره (مواد مستقیم، کار مستقیم، سربار کارخانه) می‌باشد.
4. محاسبه قیمت تمام شده یک واحد
5. محاسبه قیمت تمام شده واحدهای تکمیل شده و قیمت تمام شده موجودی کالای در جریان ساخت پایان دوره معادل آحاد تکمیل شده

مفهوم معادل آحاد تکمیل شده اساس هزینه‌یابی مرحله‌ای می‌باشد در اکثر موارد بر روی کلیه واحدهایی که طی دوره عملیات تولیدی بر روی آنها صورت می‌گیرد تکمیل نمی‌گردد بدین معنی که بعضی از آنها در پایان دوره تکمیل نشده باقی می‌مانند در این گونه موارد بخشی از هزینه‌های تولید باید به واحدهای در جریان ساخت پایان دوره تخصیص یابد بنابراین جهت تعیین قیمت تمام شده یک واحد جمع هزینه‌های تولید را نباید فقط بر روی واحدهای تکمیل شده تقسیم نمود بلکه واحدهای تکمیل نشده در پایان دوره نیز بایستی در محاسبات منظور گردد بدین منظور باید واحدهای در جریان ساخت پایان دوره را برحسب واحدهای تکمیل شده بیان نمود قبل از محاسبه آحاد تکمیل شده درجه تکمیل موجودی کالای در جریان ساخت باید تعیین گردد در بعضی از صنایع انجام این کار ایجاد اشکال نمی‌نماید اما در صناعی که امکان تعیین درجه تکمیل موجودی کالای در جریان ساخت نباشد آن را باید برآورد نمود.

انواع گزارش‌های درون سازمانی و برون سازمانی کدامند و توسط چه واحدهایی تهیه می‌شوند

گزارش‌های درون سازمانی در مؤسسات تولیدی توسط واحد حسابداری بهای تمام شده تهیه می‌گردد و معمولاً هر ماه این گزارشات براساس نیاز مدیران تهیه می‌شوند تا در اختیار آنها قرار گیرد. عمده‌ترین گزارشات درون سازمانی در مؤسسات تولیدی به صورت زیر می‌توان نوشت .

- 1) گزارش مصرف مواد
- 2) گزارش بهای تمام شده کالای ساخته شده
- 3) گزارش اوقاف تلف شده
- 4) گزارش کالای در جریان ساخت

(5) گزارش ضایعات

(6) گزارش خرید

(7) گزارش روش

(8) سایر گزارشات مورد استفاده مدیریت

گزارش‌های برون سازمانی در مؤسسات تولیدی توسط دایره حسابداری تهیه می‌شود این گزارشها با توجه به اینکه مورد استفاده اشخاص حقیقی و حقوقی همچون دولت، بانکها، سرمایه گذاران و ... که قبلاً توضیح داده شدند می‌باشند باید براساس استانداردهای حسابداری و اصول پذیرفته شده حسابداری تهیه گردند تا قابلیت مقایسه داشته و قابل اتکاء باشند عمده‌ترین این گزارشها بصورت زیر می‌باشد.

(1) گزارش بهای تمام شده کالای فروش رفته

(2) گزارش سود و زیان

(3) ترازنامه

(4) گردش جریانات نقدی

(5) گزارش تقسیم سود

گزارشات برون سازمانی در مؤسسات تولیدی

1- گزارش (جدول) بهای تمام شده کالای فروش روز چیست؟

برای آنکه گزارش‌های درون سازمانی و برون سازمانی را بهتر بشناسید ابتدا گزارش بهای تمام شده کالای فروش رفته را که یک گزارش برون سازمانی می‌باشد بررسی می‌نماییم چرا که در مبحث حسابداری مؤسسات بازرگانی نیز تا حدودی و به شکل دیگر با آن آشنا شده‌اید. در مبحث قبل اشاره شد بهای تمام شده کالای فروش رفته از 5 بخش تشکیل شده است.

1. بخش مواد مستقیم

2. دستمزد مستقیم

3. سربار

4. بخش کالای در جریان ساخت

5. بخش کالای ساخته شده

فرآیند تخصیص و تسهیم هزینه‌های سربار

1. آشنایی با تسهیم اولیه و ثانویه سربار و روشهای تسهیم ثانویه سربار
2. تشریح فرآیند تسهیم ثانویه سربار به روش مستقیم
3. تشریح فرآیند تسهیم ثانویه سربار به روش یک طرفه
4. تشریح فرآیند تسهیم ثانویه سربار به روش ریاضی
5. آشنایی با هزینه بر مبنای فعالیت ABC

آشنایی با تسهیم اولیه و ثانویه سربار و روشهای تسهیم ثانویه سربار

تسهیم اولیه و ثانویه سربار:

منظور از تسهیم اولیه این است که هزینه‌های سربار به تفکیک دواير خدماتی و تولیدی ردیابی، شناسایی و بدهکار حساب دایره مربوطه (مرکز هزینه) ثبت و انباشته شود.

ولی در تسهیم ثانویه، هزینه‌های سربار انباشته شده و در مراکز هزینه دواير خدماتی کارخانه بر مبنای مشخص . معین و با استفاده از روش‌های مناسب، به مراکز هزینه دواير تولید منتقل می‌گردند.

عمل انتقال این هزینه از دواير خدماتی به دواير تولیدی را اصطلاحاً تسهیم ثانویه می‌نامند .

مبانی تسهیم ثانویه سربار

برای تسهیم ثانویه سربار دو کار اساسی باید صورت گیرد.

1. نخست اینکه مبانی مناسب برای انتقال هزینه از دواير خدماتی به دواير تولیدی انتخاب گردد.
2. روش مناسب برای تسهیم ثانویه انتخاب شود.

برخی از مناسب‌ترین مبناها از نظر تسهیم ثانویه، به شرح زیر ارائه می‌شود.

دواير خدماتی مبنای مناسب جهت تسهیم هزینه

کارگزینی تعداد کارکنان

حسابداری ساعات کارکنان

تعمیرات و نگهداری ساعات کار ماشین

تعمیرات ساختمان سطح زیر بنا

انبار تعداد حواله / هزینه مواد

رستوران تعداد کارکنان

بهداری تعداد کارکنان

نگهبانی سطح زیربنا

کنترل کیفی تعداد / مقدار محصول

سربار پیش بینی شده

به دلیل اینکه هنگام محاسبه‌های تمام شده محصول تولید شده اطلاعات مربوط به سر واقعی کامل نیست چرا که برخی از اقلام سربار ماهیتاً در پایان سال مالی ثبت می‌شوند و برخی نیز هنگام تحمل هزینه مورد ثبت قرار می‌گیرند و لذا ممکن است تا مقطعی که قیمت تمام شده محصول مورد محاسبه قرار می‌گیرد اطلاعات مربوط به سربار واقعی همگی ثبت نشده باشد لذا برای رفع این معضل از نرخ از پیش تعیین شده سربار (نرخ جذب سربار) استفاده می‌شود این نرخ کسری است که صورت آن سربار برآوری و مخرج آن را مبنای جذب سربار مشخص می‌سازد مبنای جذب سربار می‌تواند ساعات کار مستقیم، ساعات کار ماشین، هزینه مواد مستقیم و هزینه کار مستقیم و باشد.

هنگامی که مبنای جذب سربار هزینه مواد مستقیم و هزینه کار باشد نرخ جذب سربار به درصد بیان می‌گردد (حاصل کسر حزب در 100 می‌شود)

برای تعیین سربار جذب شده، مبنای جذب سربار هر آن چیزی که تعیین شده باشد بایستی مقدار واقعی آن را در سفارش مورد نظر انتخاب و نرخ محاسبه شده در آن ضرب گردد تا مبلغ سربار جذب شده جهت صددرصد محاسبه شود.

مفهوم اضافه کسر جذب سربار

در صورتی که مانده حساب کنترل سربار در پایان سال مالی و اداری مانده بدهکار باشد مفهوم کسر جذب سربار است در غیر این صورت مفهوم اضافه جذب سربار می‌باشد.

به عبارتی

اضافه جذب سربار < سربار مالیاتی < سربار جذب شده

کسر جذب سربار < سربار واقعی < سربار جذب شده

عنوان هزینه مبنای تسهیم

اجاره کارخانه سطح زیربنا

استهلاک ساختمان سطح زیربنا

حرارت سطح زیربنا

سرپرستی تعداد کارکنان

تلفن و تلگراف تعداد مکالمات ، تعداد کارکنان

برق کیلووات ساعت

آب سطح زیر بنا

روشهای تسهیم ثانویه سربار

1- روش مستقیم :

این روش بسیار ساده است ولی از دقت لازم برخوردار نیست در این روش هزینه دایره زمانی براساس مبناهای مناسب بین دواير تولیدی تسهیم می گردد. از معایب اساسی این روش آن است که سهم هزینه دواير خدماتی که به یکدیگر سرویس داده اند مورد محاسبه و توجه قرار نمی گیرد.

2- روش یک طرفه

روش یکطرفه کاملتر از روش مستقیم است ولی از معایب آن این است که هر دایره ای که هزینه اش تسهیم شود از فرآیند محاسباتی بعدی حذف می شود متقابلاً از تسهیم بعدی سهم هزینه نمی گیرد.

نکته مهم و قابل توجه این است که کدام دایره خدماتی باید قبل از دواير دیگر هزینه خود را تسهیم کند ضابطه مقبول عام در این مورد وجود ندارد ولی معمولاً دواير خدماتی برحسب مقدار هزینه ای که دارند به صورت نزولی مرتب سپس از دایره ای که بیشترین هزینه را دارد عملیات تسهیم آغاز می شود.

3- روش ریاضی / جبری / دو طرفه

روش دو طرفه روش کاملی است و در تسهیم ثانویه، سهم هزینه دواير خدماتی را که بیشتر از یکدیگر سرویس گرفته اند تعیین نموده و اطلاعات کاملی در اختیار مدیریت می گذارد .

برای تسهیم ثانویه هزینه به روش دو طرفه باید قبل از هر اقدامی، جدول (ماتریس) هزینه دهی و هزینه بری را تشکیل داد سپس براساس این جدول برای دواير خدماتی معادله ای تنظیم و با حل معادله عمل تسهیم هزینه انجام گیرد.